

بافت‌های تاریخی، سرمایه‌های پایدار و آینده متصور بر آن‌ها (نمونه‌ی مورد مطالعه: بافت تاریخی اودلاجان)

آرش محمد مرادی^۱، سید عباس یزدانفر^۲ و محسن فیضی^۳

چکیده: نظام توسعه متداول در کشور از امکانات بالقوه‌ی بافت‌های تاریخی غافل بوده و در مسیر توسعه، آنها را بیش از هر زمانی به سوی فرسایش و اضمحلال سوق داده است. خروج از این پدیده مستلزم توجه جدی به این دارایی‌هاست که به خودی خود از مضامین توسعه‌ی پایدار برخوردار است. محلات قدیمی در بافت‌های تاریخی بازگو کننده‌ی ساختاری از خانواده، واحدهای همسایگی، ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که تحولات مربوط به تغییرات ایجاد شده از دوره‌ی پهلوی اول به بعد، ساختار آنها را دگرگون کرده و هویت ذاتی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است. هدف عمده این مقاله، ایجاد ارتباط سنجیده بین حفاظت و بخشی از توسعه پایدار است که بتواند دارایی‌های موجود در بافت‌های تاریخی را به عنوان الگوهای اصیل در نظام توسعه به شهر جدید پیوند دهد. روش پژوهش این مقاله تحلیلی-تفسیری و با نگاهی آسیب شناسانه از بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. یافته‌های عمده پژوهش، تأکید بر ابعاد گسترده‌ای از ساختارها در شهر تاریخی دارد که ورای نگرش صرف کالبدی رایج و متداول در کشور است. از سوی دیگر گردشگری را به عنوان بخشی از نظام توسعه اقتصادی در بافت و در پیوند بین شهر قدیم و جدید مد نظر قرار می‌دهد. محصول نهایی این پژوهش نیز دست‌یابی به راهبردهایی با رویکرد دارایی مینا در جهت واقف کردن نظام توسعه جدید شهرها به سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و فرهنگی بافت‌های تاریخی است.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، توسعه‌ی پایدار، دارایی مینا، ساختار، اودلاجان.

1 دانشجوی کارشناسی ارشد، معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران-ایران. (نویسنده مسئول) arash_moradi1994@yahoo.com

2 دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری، تهران، ایران.

3 استاد دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری، تهران، ایران.

1- مقدمه

بافت‌های تاریخی در کشور ما امروزه غالباً در نقش مراکز خدمات شهری و محلات مسکونی وظایفی را برعهده دارند. بعضاً به عنوان محل کار و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حساب می‌آیند و اشکال کالبدی مختلفی دارند که ضمن ارائه برخی تفاوت‌ها، با عناصر کالبدی فضایی شهر معاصر نیز عمیقاً پیوستگی دارند. از سوی دیگر برخی از این بافت‌ها به صورت محلات متروک و جزایری منزوی از زندگی شهری درآمده‌اند. ساختارهای تاریخی در تعدادی از شهرهای بزرگ و کوچک، بخش فعالی از ساختار شهر معاصر را تشکیل می‌دهند، همانند ساختار تجاری شهر تهران که هنوز این نقش را ایفا می‌نماید. به هر حال زندگی در بافت تاریخی به هیچ روی از زندگی شهری جدا نیست بلکه هر دو یک کل واحد را تشکیل می‌دهند. "منظور از ساختار اجتماعی بافت تاریخی، ساختارهایی است با الگوی تاریخی که در شرایط رشد بحرانی شهر دگرگونی‌هایی یافته و در معرض آسیب‌های ناشی از بحران قرار گرفته‌اند" (محمدمرادی و دیگران، 1391:7).

حفظ اصالت‌ها و رفع آسیب از آن‌ها و توانمندسازی ساختارهای مزبور به منظور کنترل رشد بحرانی و کمک به پایداری توسعه شهری یک ضرورت است که این مهم بدون اعاده تعادل و دستیابی به وحدت ساختاری شهر میسر نخواهد شد، لذا از طریق برقراری وحدت ساختارهای اجتماعی جدید شهر تهران با ساختارهای تاریخی آن می‌توان به این هدف نائل آمد و موفقیتی نسبی کسب کرد. "به طور کلی ساختارهای اجتماعی بافت‌های تاریخی به سه گروه تقسیم بندی می‌شوند:

- 1- ساختارهای اصیل بافت تاریخی
 - 2- ساختارهای موجود بافت تاریخی
 - 3- ساختارهای مطلوب و جایگزین در بافت تاریخی
- که گروه اول به عنوان توان و ظرفیت بالقوه برای گروه دوم و سوم عمل میکند" (همان، 1391:8).

از اواخر قاجار و شروع عصر پهلوی به دلیل تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیگر مسائل در سطوح ملی و جهانی، رشد بحرانی شهر آغاز می‌شود. یکی از سازوکارهای مقابله با این بحران، توجه به هسته‌ی تاریخی شهرها و توانمندسازی ساختار اجتماعی آنها در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی

به عنوان یک الگوی پیشرو در زمینه اصلاحات شهری است. در این مقاله مقولات کلان اجتماعی، فضایی، کالبدی و محیطی بافت‌ها همانند زندگی مدنی، رابطه انسان و محیط، فضا و مکان، اقتصاد زیستی و دیگر مسائل، مد نظر است. بافت تاریخی به اعتبار ساختار اجتماعی انسانی خود دارای سازوکاری شبیه به موجودات زنده است و خصوصیات بنیانی خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌سازد. به این ترتیب مفهوم تجدید نسل (Regeneration) از طریق سازوکارهای درونی بافت‌های تاریخی قابلیت تحقق خواهد یافت و اگر پدیده تجدید نسل که به بازآفرینی تعبیر میشود، از این امر غفلت کند، مفهوم واقعی خود را از دست خواهد داد.

1-1- پیشینه تحقیق

اولین سمینار مربوط به بافت‌های تاریخی در ایران به سال 1350 ه.ش در دانشگاه تهران تحت عنوان "اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی" تشکیل گردید. اهم نتایج این سمینار بدین شرح است: 1- تأکید بر شناخت جامع از وضع مراکز تاریخی ایران. 2- تأکید بر اهمیت جایگاه حفاظت و مرمت بناها و شهرهای تاریخی در نظام توسعه، علاوه بر بعد فنی و فرهنگی آن. 3- تأکید بر ضرورت تدوین ضوابط حفاظت. از سال 1365 نیز در وزارت مسکن و شهرسازی وقت، دفتری به نام دفتر بهسازی بافت‌های تاریخی تشکیل شد که محصول آن ارائه طرح‌های ویژه همراه ضوابط مربوطه در راستای حفاظت از بافت‌های چند شهر تاریخی بود. متعاقباً در سال 1367 سمینار تداوم حیات در بافت قدیم شهرهای ایران به همت گروه مرمت دانشگاه علم و صنعت، در این دانشگاه برگزار گردید و مجموعه مقالاتی متمرکز بر ارزش‌های موجود در بافت‌های تاریخی در سال 1372 به چاپ رسید. مهمترین نتایج این سمینار به شرح زیر است: 1- لزوم توجه به نابسامانی‌های کالبدی و اجتماعی بافت‌ها. 2- لزوم همکاری کلیه نهادها و مشارکت مردم. 3- لزوم تشکیل نهادهای جدید در بافت تاریخی. 4- لزوم نقد فعالیت‌های انجام شده. 5- لزوم تشکیل مرکز مطالعاتی برای حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی. در مقاله‌ای تحت عنوان "مروری بر سیاست‌های توسعه پایدار محله‌ای با رویکرد دارایی مبنا و تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی" محصول نهایی قابل استفاده چنین است که با توجه به مفهوم توسعه پایدار

که بر توانمندسازی به جای استحقاق تاکید دارد، هم از مشارکت داوطلبانه و هم از مکان مبنای بودن آن نشأت می‌گیرد و این مسأله بر جامعیت آن دلالت دارد. از سویی سیاست‌های دارایی مبنای مکانگرا به دلیل تأکید بر اهمیت سرمایه کالبدی در توسعه اجتماع محلی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی واجد اهمیت ابزاری است (عارفی 1380: 23). بر این اساس، رویکرد دارایی مبنای توسط سه مشخصه ساده و وابسته به هم تعریف می‌شود: الف) شناسایی دارایی‌های محلی: توسعه بر مبنای قابلیت‌های ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلی تعیین می‌شود، نه بر مبنای آنچه در محله موجود نیست و به آن نیاز است (mathie & Cunningham, 2002). به اعتقاد عارفی، دارایی‌های اجتماع محلی در رویکرد دارایی مبنای نوعاً سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی را شامل می‌شود (عارفی 1280: 23). "بولن" نیز معتقد است بدون سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماع محلی ممکن نخواهد بود (Onyx & Bullen, 1999). ب) جلب مشارکت ساکنان: طبق آخرین نظریه‌ها در مورد مشارکت، دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند. بر این اساس، نظریه پردازان، نظریه شراکت را مطرح کردند (مطوف، 1378: 107). ج) ظرفیت‌سازی: در این رویکرد نقش عوامل خارجی، بسیج و تجهیز دارایی‌ها جهت توسعه اجتماع محلی است و این همان چیزی است که از آن تحت عنوان ظرفیت‌سازی یاد می‌شود (Mcknight & Kretzmann, 1993). ظرفیت‌سازی برای اجتماعات محلی اهمیتی فوق‌العاده دارد. والیس سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی را عوامل شتاب‌دهنده برای ظرفیت‌سازی می‌داند.

1-2-3- اجتماع‌های محلی و سرمایه‌های اجتماعی

امروزه موضوع اجتماع‌های محلی و نحوه سازماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن در شهرسازی پیدا کرده است. به نظر آنتونی گیدنز، موضوع اجتماع محلی صرفاً شعاری انتزاعی در جامعه مدنی و تلاش برای احیای همبستگی محلی نیست، بلکه وسیله‌ای برای پیشبرد نوسازی اجتماعی و کالبدی محله‌ها، شهرها و مناطق مهم شهری محسوب می‌شود. در واقع احیای جامعه‌ی مدنی بدون احیای اجتماعات محلی، حفاظت از حوزه‌ی عمومی محلی و تأمین مشارکت

محله‌ای در رویکرد دارایی محور می‌توان نتیجه گرفت که انسجام سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی محلی، راه حلی عملی در جهت توسعه پایدار محله‌ای است و این توسعه محله‌ای، در نهایت به بهبود واقعی کیفیت زندگی مردمان منجر خواهد شد (رضازاده، 1388: 136). در مقاله دیگری با عنوان "تدوین مدل مفهومی تحقق پایداری بافتهای تاریخی با رویکرد راهبردی برنامه‌ریزی بازآفرینی" آمده است که: بازآفرینی بافتهای تاریخی به طور کلی نیازمند اقدامات مؤثر و متناسب با شرایطی است که بافت با آن مواجه است، زیرا هر کدام از بافتهای فوق در شرایط پایدار، نسبتاً پایدار و گاه ناپایدار قرار می‌گیرند (سلطانزاده، 1396: 68).

1-2-2- مبانی نظری

1-1- توسعه‌ی پایدار

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین کند (Murty & Singh, 190: 2009). پایداری فقط در ارتباط با زیست‌بوم انسانی تعریف نمی‌شود و برای دستیابی به توسعه پایدار لازم است مباحث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی به طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد (حاجی‌پور، 1385: 39). بحث پایداری و توسعه پایدار، بدون توجه به شهر و شهرنشینی بی‌معنی خواهد بود، زیرا شهرها به‌عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می‌روند (قرخلو حسینی، 1385: 158). در این راستا برای دستیابی به توسعه شهری پایدار، محلات به عنوان بنیادی‌ترین عناصر شهری نقشی اساسی دارند، اگر چه مؤسسه جوامع محلی پایدار معتقد است، ریشه‌ی بسیاری از مسائل محیطی جهان در مسائل محلی است (Roseland, 1997a; 1997). بافتهای تاریخی بهترین شاخص توسعه تاریخی سرزمین ما هستند. بافت تاریخی پدیده‌ای است هدفمند و آرمانگرا و جایگاه واقعی آن در حرکت آرمانی و ارزشی جامعه تدوین می‌گردد و امر توسعه پایدار در غیاب آن از هرگونه اعتباری ساقط است (مجبایی، 1387: 130).

1-2-2- رویکرد دارایی مبنای

در رویکرد دارایی مبنای، سیاست‌های دارایی مبنای مردمگرا

محلی امکان پذیر نخواهد بود (catanese, 1988,89-90). به عبارتی، مفهوم community شبکه‌ای از اجتماعات مردمی، با هویت، علائق و نظریه‌های مشترک در سطح ملی است (Barton, 2003:4).

جورج هیلری پس از بررسی بیش از 90 تعریف در این زمینه بر وجود سه اصل مشترک در تعریف اجتماع محلی تأکید می‌کند؛

- 1- گستره‌ی اجتماعی
- 2- پیوندهای مشترک
- 3- تعامل اجتماعی.

بررسی وی نشان داده است که ضمن اینکه اجماع نظری پیرامون تعریف این اصطلاح وجود ندارد، اما با این وصف روشن است که هر اجتماع محلی اصطلاحی عمومی برای یک وضعیت خاص است که دارای روابط متقابل اجتماعی و جنبه‌های خاص سازمان اجتماعی است (ایراندوست، 1384: 108). جوامع محلی دارای اطلاعاتی حیاتی درباره رفتارها، توانمندی‌ها و نیازهای اعضای خود هستند که قضات، مقامات محلی و بیگانگان به آن دسترسی ندارند و بدین ترتیب می‌توانند هنجارهایی را اعمال کنند که به کنش جمعی می‌انجامد (تاجبخش، 1384: 37). از آنجایی که در برخی جوامع همانند کشور ما، زمینه اجرای مدیریت مشارکتی در مردم محلی به طور کامل وجود ندارد، لذا لازم است که از طریق فرآیند توانمندسازی، ظرفیت پذیرش اجرای مدیریت مشارکتی پدید آید (مقیمی، 1382: 264). با توجه به اینکه محله از تجمع، هم پیوندی، مشارکت نزدیک، روابط همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم پدید می‌آید، لذا سرمایه‌های اجتماعی موجود در آنها مهمترین ظرفیت برای توسعه محسوب میشوند.

2- روش تحقیق

روش پژوهش این مقاله تحلیلی-تفسیری بوده و به استناد یافته‌ها و دارایی‌های تاریخی موجود در ساختار شهرهای تاریخی ایران است. بر اساس موارد فوق راهبردهایی در جهت سامانمند کردن و ارائه راهکار برای پرداختن به آنها به روشی علمی ارائه شده است.

این مقاله، پژوهش در باب میراث تاریخی شهرها را از دریچه‌ای دارایی مینا و پایدار در توسعه به عنوان الگویی قابل حفاظت، تسری و اشاعه فرهنگ اصیل توسعه‌ی شهری ارائه می‌کند.

3- نتایج و بحث

3-1- نمونه‌ی مورد مطالعه، محله تاریخی اودلاجان تهران
روستای طهران در هشت کیلومتری شمال شهر باستانی و بزرگ ری قرار داشته و در حدود سال 933 ه.ش. به دستور شاه تهماسب صفوی به شهری جدید مبدل می‌گردد که اکنون به عنوان منطقه صفوی شهر تهران شناخته میشود (تکمیل همایون، 1377: 49-55). محله اودلاجان بخشی از منطقه صفوی شهر تهران است که در دوره قاجار با برخورداری از باغستان‌های شمال شرقی تهران و زمین‌های بایر، توسعه پیدا کرد و به یکی از پنج کلان محله مشهور تهران درآمد. تا اوایل حکومت پهلوی، محله اودلاجان که در مجاورت بازار و مرکز حکومتی واقع شده بود، کارکرد مسکونی بسیار مهمی داشت و اقشار مختلف به ویژه طبقه اعیان و اشراف در آن سکونت داشتند. این محله در آغاز، نفوس زیادی نداشته، اما به دلایل طبیعی و جغرافیایی منطقه‌ای پر جمعیت شده است. این محله اندک اندک با ساختن بناها و عمارات جدید و تبدیل باغات و زمین‌های بایر به خانه‌ها و کوچه‌ها، سکونت‌پذیری مهاجران در آن محله افزایش یافت. بافت قدیم مرکزی شهر تهران قلب تاریخی- گردشگری ایران است که علاوه بر مقیاس ملی در مقیاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در هماهنگی با شبکه شهرهای تاریخی کشور نقش ارائه خدمات گردشگری فرهنگی را بر عهده دارد (گلکار، 1384: 34).

3-2- تحولات در محله اودلاجان

محله‌ی اودلاجان از دوران شهری شدن خود، در زمان شاه تهماسب صفوی و پایتخت شدن آن در زمان قاجار تا به امروز دست‌خوش تحولاتی در نظام کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. در شکل زیر محدوده شهر تهران در حصار صفوی با رنگ آبی نمایش داده شده که مربوط به نقشه کرشیش در سال 1858 میلادی است. محله اودلاجان، شمال شرقی حصار تهماسبی را در بر می‌گرفته است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، بخش عمده‌ای از تهران دوره صفوی را باغها و زمین‌های بایر تشکیل می‌داده است. در سال 1867م شهر تهران دیگر نه زمین بایر داشت و نه تحمل کثرت جمعیت (160 هزار نفر) را که بتواند به راحتی به حیات خود استمرار دهد و در این هنگام نخستین آسیب به محله تاریخی اودلاجان وارد آمد (تکمیل همایون، 1393: 25). شهر



شکل ۲- نقشه‌ی عبدالغفار، ۱۸۹۱، محدوده شهر تهران، حصار ناصری.

Fig. 2-The historic center of Tehran, Naseri barrier (1891)

در راستای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی خود اقدام به مداخلاتی در ساختار شهرهای ایران کرده و فضاهایی را در پیوند با شهر قدیمی و در انحصار عملکردهای حکومتی به وجود آورده‌اند. بازتاب تغییر در سلسله‌های حکومتی ایران را می‌توان در سیمای بسیاری از شهرهای کهن کشور مشاهده نمود. از جمله اقدامات سلجوقی و صفوی در اصفهان و قزوین، اقدامات ایلخانیان و آق‌قویونلوها در تبریز و همچنین اقدامات صفوی و زندیه در شیراز و قاجار در تهران، نمونه‌های بارزی از تحولات مربوط به ساختار سیاسی بافت‌های تاریخی است. امروزه محصول این توسعه‌های تاریخی موزون و متعادل ارزیابی می‌شود. نکته مهمتر اینکه اقدامات فوق در برابر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در شهرها، در قرون گذشته پایداری نشان داده است و در زمان حال نیز نظامی از ارزشهای مختلف را عرضه مینماید. "لیکن تغییرات عمده در شهرهای تاریخی ایران از ظهور عصر تجدد، یعنی از دوره پهلوی با تمرکز قدرت در شهرها موجب تضعیف ساختار اجتماعی سنتی اعم از شهری، روستایی و عشیرهای شد. الگوی حیات که تا آن زمان در شهر و روستا هماهنگ بود، شکافی عمیق برداشت. بافت شهرها مسیر خود را به‌دنبال تحولات فوق جدا کرد و الگوی مصرف در شهرها در مقابل الگوی تولید در روستا قرار گرفت. برخلاف تحولات ایجاد شده در وادی توسعه شهری، عدم تعادل با تظاهر و نمودهای فضایی مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی در منظر



شکل ۱- نقشه کرشیش، ۱۸۵۸، محدوده شهر تهران، حصار تهماسبی.

Fig. 1-The historic center of Tehran, Krziž (1858)

چهار دروازه‌ای صفوی با برج و باروهای تاریخی نیز در دوران قاجار، به دستور ناصرالدین شاه ویران شد و تهران به شهری هشت ضلعی با فضای وسیعتری در دارالخلافه ناصری بدل گردید. تهران در عصر رضاشاه نیز لبریز از جمعیت بود و از امکانات خانه‌سازی و ورود اتومبیل و وسایل حملونقل جدید برخوردار نبود و بار دیگر دست‌خوش تغییراتی اساسی گردید. این بار به دستور رضاشاه در آغاز دوره پهلوی حصار ناصری ویران شد، بار دیگر باغهای زیادی نابود شد و شهر گسترش یافت. به دستور رضاشاه خیابان سیروس (مصطفی خمینی) در امتداد خیابان مجلس شورای ملی، احداث شد و اودلاجان را به دو بخش مجزا تقسیم کرد. خیابان ناصریه نیز تعریض شد و به ناصرخسرو معروف شد و این چنین ارتباط اودلاجان با شمس‌العماره نیز قطع شد. در جنوب نیز خیابانی ساخته شد و بخش‌هایی را از محله جدا کرد. در دوره دوم پهلوی نیز خیابان پانار تعریض شد و همانند خیابان سیروس محله را قطع کرد و اودلاجان به سه بخش بدل شد.

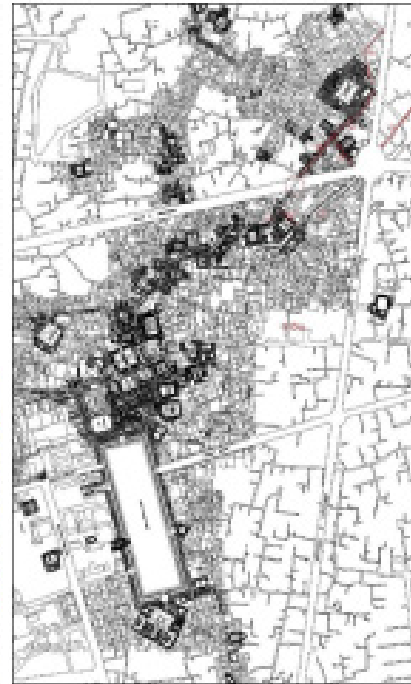
3-3- بافت‌های تاریخی

3-3-1- بافت‌های تاریخی در گذر زمان

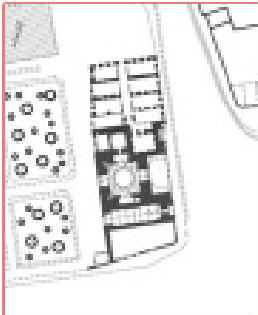
امروز بقایا و شواهد مربوط به مداخلات برنامه‌ریزی شده و متمرکز در اکثر شهرهای ایران در گذر زمان قابل پی‌گیری و مشاهده است. در مقاطعی از تاریخ، دولت‌ها و حکومت‌ها



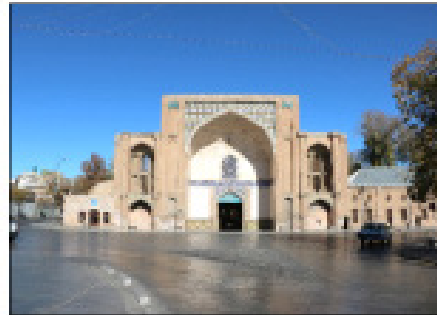
شکل ۴- خیابان سپه، اقدامات سلجوقی و صفوی در قزوین (مسجد جامع و دولتخانه‌ی صفوی).
Fig. 4. Qazvin , The Sepah Street, Saljughy & Safavi interventions.



شکل ۳- اصفهان، اقدامات سلجوقی و صفوی.
Fig. 3- Isfahan, Saljughy interventions.



شکل ۶- پلان سردر دولتخانه.
Fig. 6-Entrance Plan of the Dolatkhaneh.



شکل ۵- قزوین، سردر دولتخانه صفوی (عالی-قاپو).
Fig. 5-Qazvin, The Portal of Dolat-khaneh.

و زمانی مبهم دارد؛ به ویژه در بافت قدیمی شهرها که سیمای آن‌ها محصول کار مشترک نسل‌های متوالی در طول زمان است. با اقدامات نسنجیده، احساس زمان تاریخی بین ناظر و سیما به عنوان یک فرآیند، مخدوش و مفهوم سیما در شکل کلی اعم از استقرار و منظر کلی منهدم شده است. این جریان در حالی روی میدهد که حفاظت از پیوستگی ساختاری شهر تاریخی و پیوند آن با الگوهای توسعه پایدار شهری باعث ارتقاء کیفیت محیط خواهد شد.^۲

رویکرد دارایی مبنا با کشف دارایی‌های بافت، مستندسازی آن‌ها و تعیین ظرفیت برای آن، با توجه به حقوق شهروندان به عنوان صاحبان اصلی، با رویکرد برنامه‌ریزی از پایین به بالا و فرآیندگرا، یاری رسان برنامه‌ریزی برای حفاظت، مرمت و احیاء است. در مقابل این، رویکردی نیازمبنا وجود دارد که محله و بافت قدیم را همانند یک معضل می‌بیند و برنامه‌ریزی را از بالا به پایین انجام می‌دهد و شهروند را همانند دریافت کننده کمک می‌بیند، محصول آن پیامدگراست و در واقع بین مردم و مکان به تمایز در فرآیند توسعه قائل است. با این تعبیر بافت اودلاجان را می‌توان یک دارایی فرض نمود که مستندسازی آن مبنای برنامه‌ریزی مرمت و احیاء خواهد بود.

کلی شهرهای این دوره قابل مشاهده است.^۱ امروز بافت جدید شهرهای ایران به ویژه، بافت تهران در نظام توسعه از بستر تاریخی، محیط اجتماعی، طبیعی و بومی خود خارج شده و به بخشی از نظام عملکردی و مکانیکی شهر تبدیل شده است؛ اما احیای نسبی جامعیت گذشته، با استفاده از الگوهای بافت تاریخی، تا حدی قابل دستیابی است. از سوی دیگر پدیده عدم تعادل در بافت تاریخی شهرهای ایران ناشی از کهولت در گذر زمان، یک امر تحمیل شده بر پیکر آن است و ذاتی نیست و حتماً می‌توان با تغییر رویکرد، مسیر آن را به تعادل نزدیکتر نمود.^۲

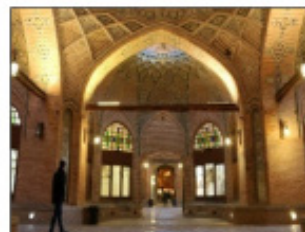
بافت تاریخی شهرهای ایران به‌عنوان کانون انتقال دهنده‌ی تجربیات ارزشمند، بالخصوص مضامین فرهنگی از جمله نقش بنیادین الگوی سکونت و اهمیت و ارزش خانه و خانواده در مفهوم حریم خصوصی در محلات موجود در بافت‌های تاریخی کشور به عنوان ساختار اجتماعی پایدار و واجد ارزش قابل حفاظت و احیاء است. ساختار اجتماعی بافت تاریخی بر مبنای واحد فضایی محله استوار است. محله دارای ساختاری همگرا و درونی بوده و موجب همگرایی اجتماعی در خود است. متأسفانه این الگوی محله در نظام توسعه شهرها مغفول مانده است. "مداخلات جدید شاهد وقایع فضایی آشفته‌ای است که منشأ تاریخی



شکل ۱۱- تهران، میدان توپخانه (قاجار).
Fig. 11-Tehran, Toupkhaneh square.



شکل ۸- قزوین، بازار قیصریه (صفوی).
Fig. 8- Qazvin, The Bazar of Qaysarieh.



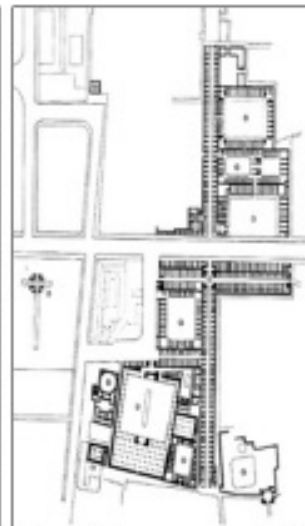
شکل ۷- قزوین، سعدالسلطنه (قاجار).
Fig. 7- Qazvin, Sadosaltaneh.



شکل ۱۲- تهران، میدان توپخانه (پهلوی اول).
Fig. 12-Tehran, Toupkhaneh square.



شکل ۱۰- مجموعه‌ی بازار قزوین در دوره‌های مختلف.
Fig. 10- Qazvin, The Complex of Bazar.



شکل ۹- شیراز، مجموعه وکیل (زندیه).
Fig. 9-Vakil Complex, Shiraz.



شکل ۱۳- تهران، میدان توپخانه (پهلوی دوم).
Fig. 13-Tehran, Toupkhaneh square.



خانه فیروزکوشی



خانه سرهنگ ایرج



خانه‌های قدیمی



خانه حاج رضا خان



محدوده‌های از یافت



خانه‌های قدیمی



خانه مؤتمن الاطبا



خانه اشرف‌السلطنه

■ اینیه مسکونی (Residential buildings) ■ اینیه مذهبی (religious buildings)

شکل ۱۴- نمایش دانه‌های ارزشمند شناسایی شده در بافت محله اودلاجان.
Fig. 14-Display of identified valuable buildings in Oudlajan fabric.

تصورات، در قالب اعتقادات مذهبی سازمان یافته است که این معنی نظام‌دهنده بوده و از عناصر بنیادین فضای شهر قدیم است؛ که بدون آن، بسیاری از تلاش‌های تحلیلی و پوزیتیویستی علمی مربوط به شناخت فضا، کم‌اثر خواهد بود. همچنین مفهوم قطب معنوی و مفهومی محلات و شهرهای تاریخی هم از این مضمون سرچشمه می‌گیرد. این مفهوم در توانمند کردن و غنی نمودن ساختارهای اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. متأسفانه بسیاری از شهرهای تاریخی ایران آماج مداخلات بی‌رویه در مفهوم ناپایدار توسعه هستند. باغهای مربوط به شهرهای تاریخی و جایگزینی آنها در شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، همدان و قزوین به شدت در معرض خطر است. مداخلات بی‌رویه در بافت شهرهای مختلف تاریخی نیز مغایر با اصول توسعه بر مبنای پایداری در

در شکل ۱۴ دانه‌هایی ارزشمند از میان انبوهی از ابنیه تخریب شده و نوساز، شناسایی و نمایش داده شده است که میراثی ارزشمند به حساب می‌آید و در جهت حفظ نگهداری بیشتر مستند نگاری شده است، تا سرلوحه‌ای برای اقدامات آتی قرار گیرد. به هر حال ارتباط بین حفاظت و توسعه با مبنای پایداری و دارایی‌مبنا بایستی مورد توجه قرار گیرد. این موارد شامل دارایی‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی است که در یک هم‌پیوندی تنگاتنگ قرارداد و انهدام و تخریب هر کدام موجب قطع پیوند و تسلسل و تداوم مفهومی ساختارها می‌گردد. بدیهی است که الگوها و ویژگی‌های ساختاری بافت‌های تاریخی ایران دوران اسلامی، نتیجه تصورات هستی‌شناسانه انسان در شرایط محیطی گوناگون است. بخش عمده‌ای از این

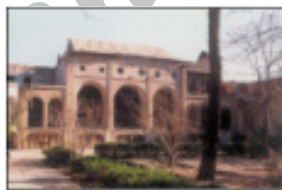


شکل ۱۵- پلان و مقاطع تعدادی از ابنیه‌ی ارزشمند.

Fig. 15- some of valuable buildings



شکل ۲۲- خانه‌ی اشرف السلطنه - ۱۳۷۲
Fig. 22- Ashrafosaltaneh's House.



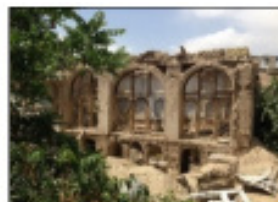
شکل ۲۰- سرای کاظمی، قبل از مرمت - ۱۳۷۲
Fig. 20- Kazemi's House - 1372



شکل ۱۸- گذر امامزاده یحیی
Fig. 18- Imamzadeh street.



شکل ۱۶- اقدامات معاصر و نوسازی‌ها
Fig. 16- Contemporary interventions.



شکل ۲۳- خانه اشرف السلطنه - ۱۳۹۴
Fig. 23- Ashrafosaltaneh's House.



شکل ۲۱- سرای کاظمی، بعد از مرمت - ۱۳۹۷
Fig. 21- Kazemi's House



شکل ۱۹- خانه جارچی باشی
Fig. 19- Jarchibashi's House



شکل ۱۷- اقدامات معاصر و نوسازی‌ها
Fig. 17- Contemporary interventions.

و دیگر تحولات آن را بررسی و توانمندسازی آن را برای ایفای نقش جدید اجتماعی، مورد توجه قرار داد. بنابراین چند هدف را می‌توان برای توانمندسازی ساختارهای بافت تاریخی تهران فرض کرد.

الف: توانمندسازی برخی ساختارهای اجتماعی-تاریخی که امکان ابقاء، احیاء و ارتقاء آنها با توجه به سوابق و شواهد وجود دارد.

ب: توانمندسازی ساختارهای اجتماعی موجود در بافت تاریخی تهران برای ایفای نقشی که این بافت‌ها در زندگی شهری معاصر و آینده به عهده خواهند داشت.

ج: توانمندسازی ساختارهای اجتماعی موجود در بافت تاریخی تهران (بعد از جبران آسیب‌هایی که در جریان رشد بحران شهرنشینی و توسعه شهری به آنها وارد شده، لذا نیازمند نوعی توانمندسازی هستند).

در هر سه حالت فوق امکان موفقیت‌هایی در چشم‌انداز توانمندسازی ساختار اجتماعی بافت‌های تاریخی به چشم می‌خورد (مجابی و دیگران، 1391:6).

3-3-3- درک زمان تاریخی و سیر تحول خاطرات جمعی

درک زمان تاریخی پدیده‌ای نیست که در همه ادوار و همچنین در همه فرهنگ‌ها مقدم بر وقایع تاریخی وجود داشته باشد، بلکه انسان‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، شناخت متفاوتی از زمان دارند که مبانی فرهنگی آن قابل بررسی است. درک اسطوره‌ای از زمان و درک ایستا از آن در برخی از فرهنگ‌ها نمونه‌ای از این تنوع ادراکی است، که هنوز هم بقایای آن در بعضی جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد. توجه به این مضامین نخست، غریب بودن بررسی‌های علمی تاریخی در کشور را تا حدودی آشکار می‌کند، دوم اینکه می‌توان دریافت که بافت تاریخی متضمن بعد زمانی بسیار نیرومند و پراعتباری است که به هیچ وجه نمی‌توان در بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی نسبت به آن بی‌اعتنا ماند. یعنی اینکه نمی‌توان با رویکردی ایستا و فارغ از تغییرات زمانی به بررسی آن پرداخت. بر خلاف اینکه درک زمان تاریخی به شیوه علمی دست‌آورد تازه‌ای برای جامعه‌ی امروزی است. "در دنیا هم به زعم برخی اندیشمندان، فقط برخی از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تاریخ‌ساز بوده‌اند و این ویژگی، هرگز همگانی نبوده است. خوشبختانه فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه بخش اسلامی آن بدون هیچگونه شکی یکی از مهمترین و بزرگترین

شهرهای تاریخی است. ارزش این شهرها، مختص یک محدوده فرضی تحت عنوان محدوده بافت تاریخی نیست، بلکه شامل کلیه موهبات طبیعی و مصنوع در محیط است. با این تعبیر تمام شهر تهران نیز به دلیل برخورداری از سابقه‌ای تاریخی می‌بایست در نظام برنامه‌ریزی به عنوان یک کل واحد نگریسته شود و الگوهای اصیل آن، مبنای توسعه گردد؛ لذا، ارتقای اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی انسان در چنین فضای معقول و متعادل و با انضباط دوام خواهد یافت. در چنین فضایی است که خلاقیت و تغییر با حفظ محورهای پایدار و ثابت به وقوع می‌پیوندد. چه بسا در فضای بی‌نظم، انسان اساساً نمی‌تواند هدف معینی را دنبال کند، بدیهی است که استواری، پابرجایی و ماندگاری یک جامعه انسانی منوط به حفظ نظام فرهنگی اصیل آن است. "به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های نسبتاً موثر برای حفظ حریم اجتماع عام، بسط و گسترش روابط اجتماعی، به ویژه روابط اجتماعی بین گروهی (عمدتاً از نوع روابط انجمنی) و حفظ طراوت فرهنگی در میدان تعاملی جامعه باشد" (چلبی، 1382:101).

3-3-2- توانمندسازی ساختارهای موجود در بافت تاریخی اودلاجان

"ساکنین محله اودلاجان جامعه‌ای جداگانه از جامعه‌ی شهری نیستند، اجتماعاتی هستند به صورت جزئی از کل شهر، در این صورت سؤال این است که ساختارهای اجتماعی-تاریخی که به جامعه مدنی شهر تاریخی تهران تعلق داشت، در حال حاضر چه نسبتی با ساکنین کنونی محدوده بافت تاریخی اودلاجان دارد؟ وجود برخی تفاوت‌ها در بافت تاریخی آیا مؤید وجود یک جامعه متفاوت با پیرامون است؟ آیا هدف غایی، ایجاد ساختارهای مشابهی با ساختارهای تاریخی است که مثلاً با اصلاحات جمعیتی و نظایر آن عملی شود، یا هدف این است که ساختارهای موجود در بافت تاریخی اودلاجان متناسب با موقعیت و نقش بافت تاریخی در شهر معاصر تهران، ساخت‌ها یا عملکردهای مناسب نوینی داشته باشد. در این راستا، باید ساختارهای موجود در بافت اودلاجان را برای اینکه بتوانند نقش مورد نظر را ایفا کنند، توانمند ساخت" (محمد مرادی و دیگران، 1391:5). اگر چنین است باید بر نقش و عملکرد بافت تاریخی تهران در شهر معاصر و آینده تکیه کرد و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی

جدول ۱- یافته‌های پژوهش.

Tab.1- Research findings

موضوع	ضرورت	هدف
حفاظت از دارایی‌های میراثی اعم از کالبدی و اجتماعی	مستندسازی و برنامه‌ریزی	تعیین ظرفیت و مرمت و احیاء
آینده بافت‌های تاریخی	احیاء و باززنده سازی	توانمند کردن در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و عملکردی
عدم وجود توازن بین توسعه و حفاظت	ایجاد پیوند از طریق میدل‌های مورد لزوم	یکپارچه کردن شهر اعم از قدیم و جدید
فقدان خوانایی در شهر	تعیین حریم دقیق برای محدوده‌های قابل حفاظت	استفاده از آن در راستای ارتقاء کیفیت فضاهای شهری
نگاه مقطعی و موضعی	جلب مشارکت ساکنین و سرمایه‌گذاران	تداوم ارتقای محیط شهری به کمک طراحی شهری، مرمت شهری و مرمت معماری
بافتهای تاریخی و مقوله‌ی پایداری	کشف ارزشهای پایدار در بناها و بافت‌ها	استناد به ارزشهای فوق در جهت تداوم و استمرار تاریخی

بودجهای کشور را مد نظر داشته باشد. از این راه توسعه میتواند عوارض ناشی از تمرکز را در شهرهای تاریخی، با یک برنامه ریزی کلان و با سیاست‌گذاری اقتصادی، معیشتی و سکونتی، تعدیل نماید.

در آن صورت است که مراکز سنتی و تاریخی شهرها نقش واقعی خود را که نقش فرهنگی است، ایفا خواهد نمود. بدیهی است که پیش زمینه چنین اقداماتی، مستندسازی و تهیه فهرست از شهرهای تاریخی و به ویژه محدوده مرکزی آنها است و در این صورت زمینه‌های مناسب برنامه‌ریزی برای اهداف بالا میسر خواهد شد. قطعا طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های جامع منطقه‌ای با سیاست‌گذاری مشروح فوق خواهند توانست اقدامات پیش‌بینی نشده ناشی از افزایش جمعیت و فعالیت‌های متبوعه را کنترل نمایند و از فشار غیر مستقیم آنها بر پیکره شهر تاریخی جلوگیری کند. با تعابیر فوق به نظر می‌رسد که احیای اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و فرهنگی بافت اودلاجان در گرو این نظام برنامه‌ریزی است. این برنامه‌ریزی میتواند جریانات کل شهر را بررسی و توان بالقوه بافت تاریخی شهر تهران را در جهت هویت بخشی به کل شهر مد نظر قرار دهد، ضمن اینکه حفاظت و احیای بافت کهن اودلاجان یک ضرورت اولیه است.

یافته‌های قابل اعتنا از محتوای مطالب فوق را می‌توان در قالب جدول ۱ طبقه‌بندی نمود.

4- نتیجه‌گیری

توجه به دارایی‌های میراثی در نظام توسعه، در گذر زمان و استخراج مبانی پایدار از آنها برای تسهیل راه آینده

این تمدن‌ها است. احیای این توان تاریخی و استفاده از ظرفیت‌های حاصل از آن، هدف دیگری است که از طریق توانمندسازی ساختارهای اجتماعی بافت تاریخی میسر است²

عارف قزوینی در اواخر عصر قاجار می‌نویسد "اغلب مردم این مملکت از تاریخ تولد خود بی‌خبرند، بدبختانه ملتی که از تاریخ ملیت و قومیت خود بی‌اطلاع باشد، چه اهمیتی خواهد داشت اگر تاریخ تولد خود را نداند. مکرر شنیده شده که از یک مرد هشتادساله پرسیده شده است، از عمر شریف چقدر می‌گذرد؟ او در جواب گفته است: وقتی که خاقان مغفور به تخت نشست و تاج سلطنت بر سر گذاشت، من پنجاه‌ساله بودم یا اینکه در سفر شاه شهید تازه عروسی کرده بودم" (مجابی، 82:1388، به نقل از عارف قزوینی-روزنامه ولایت قزوین).

توجه به زمان تاریخی خاص هریک از فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، برای درک تحولات اجتماعی مربوط به آنها حیاتی به‌نظر می‌رسد. یکی از ابزارهای مهم و مؤثر در کالبدشکافی اجتماعی، ایجاد یک ساختار زمانی مناسب برای دوره‌بندی تاریخی است. موفقیت طرح‌های بهسازی و احیای مراکز تاریخی شهرها در گرو نظام برنامه‌ریزی کلانی است که بتواند محدوده تاریخی شهرهای تاریخی و سنتی را از بعد زمانی و مکانی شناسایی نماید. همچنین این توانمندیها را در چهارچوب برنامه‌های هدفمند ملی و کشوری مورد بررسی قرار دهد و در برنامه‌ریزی کلان کشور جایگاه هر کدام را مشخص نماید. در ادامه اینکه، توسعه از درون به معنای مشارکت دادن توانمندیهای بافت‌های قدیمی در مسیر توسعه و گنجاندن آنها در برنامه‌ریزیهای

تاریخی بایستی مقوله‌ای چند وجهی شامل بافت جمعیتی اجتماعی، بافت معیشتی و بافت کالبدی تلقی گردد.

ه) نوسازی کالبدی و به طور کلی مداخلات صرف کالبدی به تنهایی متضمن احیای بافت‌های تاریخی نیست بلکه راهکارهای دیگر مانند اشتغال‌زایی، کاهش فقر و انزوای اجتماعی، تدارک تسهیلات عمومی و رفاهی و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و رسمیت یافتن نقش واقعی مشارکت‌های مردمی به عنوان یک اصل جایگزین بر درگیری گسترده بخش‌های دولتی در مداخلات توسعه شهری باشد و مداخلات حفاظت محور می‌تواند محور اصلی برنامه‌ها باشد.

و) مجموعه اقدامات مقطعی و ضربتی و منقطع قادر نیست که یکباره به مرمت جامع بافت‌های قدیمی و احیای آن‌ها بیانجامد. لذا تداوم در اصول بنیادین طرح‌ها با اهدافی نظیر ارتقای کیفیت محیط شهری و مداخله مشارکتی میسر است. بالا بردن آگاهی ساکنین در زمینه شیوه‌های ایجاد تحول و تجدید حیات مرکز شهر قدیم قابل بررسی است که برقرار کردن ارتباط مشارکتی با خرده فروشان و مغازه داران، جلب مشارکت مالی و فنی مهندسان، مدیران شرکت‌های خصوصی و اقبال دیگر ضروری است. بدیهی است که در آغاز امر سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و پشتیبانی و سرمایه‌گذاری اولیه بخش‌های دولتی یا عمومی (شهرداری‌ها) ضروری است. ضمن اینکه تعیین اهداف، استراتژی و راهبردهای جامع ضروری خواهد بود. (ز) شواهد موجود در بافت‌های تاریخی حکایت از انگیزه‌های پایداری در نظام توسعه دارد، لذا به دلیل مضاعف حفاظت و باززنده‌سازی آن‌ها ضرورتی حیاتی خواهد بود.

پی‌نوشت

1 مجابی، مهدی (1397) مصاحبه حضوری.

2 محمد مرادی، اصغر (1397) مصاحبه حضوری.

منابع

- Arefi, Mahyar. (1392. 2001). Towards a Community-based Approach to Develop Local Community. Hona-haye-Ziba, (10), 22-33.
- Barton, H. et al. (2003). Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability. London and New York, Spon Press.
- Bullen, P. & Onyx, J (1999). Social Capital, Family

موضوعی است که همواره به تبع شعار «راه آینده با توجه و امان نظر به گذشته» میسر می‌گردد، لذا مقاله حاضر کنکاشی پیرامون مباحث زمان تاریخی و مکان تاریخی و وقایع مترصد بر روند توسعه در شهرهای ایران است. در این راستا موارد ذیل محصول این پژوهش است:

الف) برقراری توازن بین توسعه به معنی گسترش و حفاظت با هدف ارتقای کیفی محیط:

زمانی از بین بردن محله‌های شهری و مکان‌های تاریخی به مفهوم پیشرفت تلقی می‌شود، ولی اکنون برنامه‌ریزان به این مهم واقف شده‌اند که حفاظت از محلات و موارث گذشته از بنیان‌های پایدار در توسعه شهر هستند. لذا ایجاد تعادل و توازن بین توسعه و حفاظت باعث ارتقا کیفی حیات محیطی و اجتماعی گشته و هویت مکان را مورد نظر قرار می‌دهد. این سیاست‌گذاری به طور قطع اهداف کلان حفاظت و توسعه را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

ب) برنامه‌ریزی معطوف به حفاظت.

ب 1- استفاده از مستندات میراثی در جهت تنوع بخشی به گونه‌های متنوع و استمزاج زندگی متفاوت و متنوع.

ب 2- ایجاد انگیزه در شهروندان و مالکان خصوصی و بالاخص دفاتر و شرکت‌های خصوصی برای تملک عملکردهای ویژه که ضمن تأمین معیشت، هویت مکان را تقویت می‌نمایند.

ب 3- تعیین مرز و حریم از بخش‌های قابل حفاظت و تدوین قوانین و مقررات مربوطه در راستای مداخلات جدید.

ب 4- اتخاذ سیاستهایی که محیط شهری و ساکنان مربوطه را به عنوان یک کل واحد تصور کند.

ب 5- اتخاذ سیاست‌ها و روش‌هایی که سیاست عدم تمرکز برای شهرهای بزرگ را با مقوله حفاظت و احیای محلات تاریخی همراه نماید.

ب 6- تقویت اقتصاد گردشگری و ایجاد انگیزه برای تقویت ارزش افزوده در راستای هدف فوق که در محیط‌های تاریخی قابل اعمال است.

ج) ایجاد زمینه برای سیاست‌های راهبردی قابل ابلاغ از سوی کارفرمایان دولتی مبنی بر توسعه حفاظت محور شهرهای تاریخی.

ج 1- مبنای توسعه و طرح‌های مرتبط با آن بایستی با شعار تعامل و پیوند بین قدیم و جدید استوار گردد.

ج 2- تلقی حفاظت از میراث فرهنگی در بافت‌های



- Support Services and Neighborhood and Community Centers in New South Wales. Available from: www.mapl.com.au. (Accessed 3 August 2012).
- Catanese, A., Snyder, J C (1988). Urban Planning: Mc Graw Hill.
- Chalabi, Masoud. (1389. 2010). Sociology of Order, Anatomy and Theoretical Analysis of Social order, Nei Publication. Tehran.
- Gharakhloo, Mahdi& Hosseini, Hadi. (1385. 2006). Indicators of Sustainable Urban Development, Journal of Geography and Regional Development, (8), 155-177.
- Golkar, Kourosh. (1384. 2005). View of City/ Neighborhood, Propose a Conceptual Framework for Landscape Statement Formulation”, Hona-haye-Ziba, (24), 25-36.
- Hajipour, Khalil. (1385. 2006). Neighborhood Planning is the Basis of an Efficient Approach to Creating Sustainable Urban Management, Hona-haye-Ziba, (26), 37-46.
- Hassanzadeh, Mehrmoosh& Soltanzadeh, Hossein. (1396. 2018). Developing a Conceptual Model for Urban Texture Sustainability: an Integrated Revitalization Approach, BAGH-E-NAZAR, Vol. 14, Issue 56: 57-70.
- Irandoost, Kiomars. (1384. 2005). An Overview of the Informal Sector in the Empowerment of Poor Local Communities, Specialized Social and Cultural Management of the City, Deputy of Social and Cultural Affairs of Tehran Municipality.
- Kretzmann. J. & McKnight, J (1993). Building Communities from the Inside Out: A Path Toward Finding and Mobilizing a Community's Assets. Chicago, IL: ACTA Publications.
- Mathie, A. & Cunningham, G (2002). From Clients to Citizens: Asset-Based Community Development as a Strategy for Community Driven Development. Occasional paper series, No.4. Canada, NovaScotia: Coady International Institute.
- Moghimi, Mohammad. (1394. 2015). Local Government Administration, Management of councils and municipalities, Tehran university.
- Mojabi, S. Mahdi. (1387. 2008). Design Methodology in Historical Texture, Available Texture, Abadi Quarterly Journal of Architecture and Urbanism, (58), 128-133.
- Mojabi, S. Mahdi. (1388. 2009). In Search of Qazvin Urban Identity, Center for Study and Research on Urbanism and Architecture.
- Mohammad Moradi Asghar & Mojabi, S. Mahdi& Faizi, Mohsen. (1391. 2012). Immunization and Empowerment of the Social Structure of the Historical Context, Research Deputy of Iran university of Science and Technology, Housing and Urban Development Research Center.
- Motavvaf, Sharif. (1378. 1999). The Role of People's Participation in the Development of the Country, Quarterly Journal of Research (Institute of Humanities and Social Sciences Jahad-e-Daneshgahi), No 3.
- Rezazadeh, Razieh& Selseleh, Ali. (1388. 2010). A Review of Sustainable Community Development Policies through an Asset based Approach, with Emphasis on Social & Physical Capital, Journal of Architecture and Urban Planning, Vol 2, (4), 121-140.
- Roseland, M (1997a). Toward Sustainable Communities. Resources of Citizens and their Governments. Gabriola island. BC: New Society Publishers.
- Roseland, M (1997b). Eco-city Dimensions: Healthy Communities, Healthy Planet. East Haven. CT: New Society Publishers.
- Singh, R.Kand et al (2009). An overview of sustainability assessment methodologies, Ecological Indicators, 189-212.
- Tajbakhsh, Kian. (1384. 2005). Social Fund, Trust, Democracy and Development, Translated by: Afshin Khakbaz& Hasan pouyan, Shirazeh-ye-Ketab Publication.